

شناسایی چالش‌ها و تدابیر پیشگیرانه در قبال بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی (با تأکید بر جوانان)

داود محمدی^۱

سیدعلی جبار گلباغی ماسوله^۲

عاطفه لرججوری^۳

وحید زارعی شریف^۴

 10.22034/ssys.2024.3393.3480

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳

این پژوهش به دنبال دستیابی به تدابیر پیشگیرانه و حمایتی برای زنان بزه‌دیده در جرائم جنسی است و در این راستا، حقوق ایران را بررسی و کاستی‌ها و مشکلات حقوقی در این زمینه را تبیین می‌کند. این پژوهش از نوع مطالعه اسنادی است و متون و مقالات جرم‌شناسی، حقوق جزا، قوانین و قواعد فقهی، قوانین موضوعه و اسناد داخلی نمایه‌شده در پایگاه‌های معتبر اطلاعاتی را مورد بررسی قرار داده است. پس از گردآوری اطلاعات، تحلیل داده‌ها به شیوه توصیفی و تحلیلی انجام شد. رویکرد این پژوهش انتقادی است و چالش‌های حقوقی مرتبط با زنان بزه‌دیده جرائم جنسی را بررسی می‌کند. براساس یافته‌های پژوهش اهم چالش‌های موضوع در نظام حقوقی ایران عبارت‌اند از: عدم‌تعریف جامع و دقیق از جرائم جنسی، عدم‌توجه کافی به مفهوم رضایت در جرائم جنسی، عدم‌وجود سازوکارهای حمایتی کافی برای قربانیان، نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی منفی نسبت به قربانیان. در نهایت راهکارهایی چون: اصلاح قوانین و مقررات، ارتقای آگاهی عمومی، تقویت سازوکارهای حمایتی، ارتقای همکاری بین‌المللی و تقویت نقش جامعه مدنی به عنوان اهم روش‌های برون‌رفت از چالش‌های این حوزه ارائه شده است.

واژگان کلیدی: تدابیر پیشگیرانه، زنان، جرائم جنسی، چالش‌های حقوقی و جرائم جوانان.

^۱ دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لاهیجان، ایران

^۲ استادیار، گروه فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لاهیجان، ایران E-mail: Pm.sadra87@gmail.com

^۳ استادیار، الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لاهیجان، ایران

^۴ استادیار، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لاهیجان، ایران

مقدمه

پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند که جوانان در عین آنکه بیشترین ارتکاب جرائم را به خود اختصاص می‌دهند، بیشترین قربانیان جرائم - از جمله جرائم جنسی - نیز هستند. (فاطمی‌نیا، کاظمی و پروین، ۱۴۰۱). خشونت علیه زنان، یک مسئله عمده بهداشت عمومی و نقض حقوق بشر زنان است. برآوردهای سازمان بهداشت جهانی نشان می‌دهد که در سراسر جهان، حدود ۱ نفر از هر ۳ زن (۳۰ درصد) در طول زندگی خود مورد خشونت فیزیکی و/یا جنسی قرار گرفته‌اند.^۱ خشونت جنسی، هر نوع رفتار جنسی مضر یا ناخواسته‌ای است که به یک فرد تحمیل می‌شود و مواردی مانند اعمال تماس جنسی توهین‌آمیز، درگیر شدن اجباری در اعمال جنسی، تلاش یا انجام اعمال جنسی با یک زن بدون رضایت او، آزار جنسی، آزار کلامی، تهدید، قرار گرفتن در معرض، تماس بدنی ناخواسته، زنا با محارم و غیره را شامل می‌گردد.^۲ جرائم جنسی علیه زنان بعد از جرائم خشونت‌آمیز بالاترین میزان را به خود اختصاص می‌دهد (جوان جفری بجنوردی و شاهیده، ۱۳۹۳). نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد که زنان جوان در شهر تهران، آزار جنسی کلامی را تجربه می‌کنند (شکری و هاشمی، ۱۳۹۳). همچنین زنان در محیط‌های کار با این مسئله مواجه‌اند (رجب لاریجانی، ۱۳۸۹). سیر صعودی و گسترش جرائم جنسی در زنان و پیچیدگی و سازمان‌یافتگی اشکال مختلف آن، آسیب‌های فراوانی به اجتماع و کانون خانواده‌ها وارد می‌سازد و سهم زیادی در فروپاشی و از هم گسیختگی این نهاد بنیادین دارد (تاج‌بخش، ۱۴۰۰؛ زمردیان و اکبری، ۱۴۰۰). این پدیده به شکل چند بعدی و پنهان و به صورت خزنده در لایه‌های زیرین جوامع رسوخ می‌کند و سلامت امنیتی، اخلاقی، بهداشتی و روانی جامعه را به مخاطره می‌اندازد. همچنین با انواع آسیب‌های اجتماعی و مفاسد دیگر نیز ارتباط می‌یابد و به مثابه تهدیدی جدی اندیشمندان، قانون‌گذاران، سازمان‌های دولتی و مردم‌نهاد را به تفکر و یافتن چاره‌ای برای کنترل و مقابله با این هجوم خطرناک و ناآشکار واداشته است و چون اقدام در این مورد به نوعی با دخالت حاکمیت در حوزه رفتار خصوصی مرتبط است و ضرورت حفظ کبان خانواده نیز از اولویت‌های اصلی جوامع مختلف به شمار می‌آید، اهمیت این موضوع مضاعف گردیده است. بی تردید، لازمه مقابله با این پدیده پرخطر اجتماعی، شناخت صحیح و دقیق از ابعاد مختلف و زوایای پیدا و پنهان جرائم جنسی در زنان و بررسی علل و عوامل بزه‌دیدی آنان می‌باشد.

بزه‌دیدی زنان و احصا و شناسایی مواردی که زنان به عنوان قربانیان اصلی این پدیده شناخته می‌شوند، زمانی در حاشیه جرم‌شناسی مطرح می‌شد، اما امروزه به عنوان یکی از عناصر مهم، مباحث کلیدی و اصلی جرم‌شناسی به شمار می‌رود که توجه به قربانیان و نیازهای آن‌ها را مدنظر قرار داده است. از نظر جرم‌شناسی، سیاست جنایی و مطالعات نوین جرم‌شناسی، بزه‌دیدی یکی از ارکان وضعیت پیش‌جنایی است که در تکوین جرم نقش موثری دارد و از این منظر بزه‌دیده، کسی است که آماج جرم قرار گرفته و به دنبال رویداد جرم از جهت جسمی، روانی یا مالی آسیب و زیان دیده و یکی از انواع حقوق او تضییع گردیده است. در اسناد بین‌المللی نیز بزه دیده، شخصی است که

¹ <https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/violence-against-women>

² <https://www.unwomen.org>

شناسایی چالش‌ها و تدابیر پیشگیرانه در قبال بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی

به دنبال وقوع یک جرم به آسیب بدنی، روانی یا درد و رنج عاطفی یا زیان مالی یا آسیب جدی به حقوق اساسی خود دچار شده باشد (کاتیچ^۱، ۲۰۲۰) و طبق این تعریف بزه‌دیده می‌تواند شخص حقیقی یا حقوقی باشد و هر دو گروه بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم را نیز شامل می‌شود.

بی تردید پرداختن به موضوع مذکور و کشف جنبه‌های مجهول و مغفول این پدیده از زاویه نگاه به قربانی و بزه‌دیده و بررسی حقوق و تدابیر حمایتی راجع به زنان بزه‌دیده می‌تواند آثار مطلوبی در تدوین سیاست جنایی مناسب در بزه‌دیده شناسی و حمایت از قربانیان بزه در پی داشته باشد و مشکلات ناشی از کم توجهی به حقوق حمایتی این بزه‌دیدگان را در حد امکان مرتفع سازد. برای نیل به این هدف یعنی علت‌شناسی بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی، بررسی علل و ریشه‌های بزه‌دیدگی از نکات مهم و ضروری است و می‌تواند در اتخاذ تدابیر حمایتی مطلوب، نقشی اثربخش ایفا نماید.

با عنایت به گستردگی جرائم جنسی علیه زنان، آنچه این پژوهش بدان می‌پردازد و در اولویت قرار می‌دهد، جرائم زنا، زنا به عنف، خشونت جنسی علیه زنان، قاچاق زنان به منظور بهره‌کشی جنسی، قوادی، ایجاد مراکز فساد یا فحشا و تشویق مردم به این امور و روسپی‌گری است، زیرا افزایش این جرائم و خسارات مادی و معنوی ناشی از ارتکاب آنها موجب گردیده تا حساسیت جوامع مختلف نسبت به این جرائم افزایش یابد به نحوی که در قوانین داخلی کشورها و اسناد بین‌المللی مورد توجه جدی قرار گرفته است. لذا در این مقاله از منظر جرم‌شناختی، سیاست قانون‌گذاری در مورد انواع جرائم جنسی و مصادیق آن در حقوق ایران مورد مطالعه قرار گرفته و کنش‌ها و تدابیر حمایتی مبتنی بر بزه‌دیده شناسی و نگرش‌های جرم‌شناختی در حقوق کشورمان را بررسی می‌نماید و کاستی‌ها و نواقص این تدابیر و اقدامات پیشگیرانه را احصا و خلاهای موجود را تبیین می‌نماید. حال با توجه به مطالب فوق این سوال مطرح است:

تدابیر پیشگیرانه و حمایتی در حقوق ایران در قبال بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی با چه کاستی‌ها و چالش‌هایی مواجه است و راه کارهای برون‌رفت از این چالش‌ها کدام‌اند؟

پیشینه پژوهش

بررسی و دقت نظر پیرامون تحقیقات و پژوهش‌های به عمل آمده راجع به بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی مبین آن است که در مورد این موضوعات تالیفات متعددی به صورت کتاب، پایان‌نامه و مقاله به رشته تحریر در آمده و یا از تالیفات نویسندگان خارجی ترجمه شده است، ولی هیچ یک از پژوهش‌های مذکور، مستقلاً و مستقیماً به موضوع تحلیل جرم‌شناختی بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی توأمان از منظر حقوق کیفری و جرم‌شناسی با رویکرد به حقوق ایران نپرداخته است. در اینجا به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

¹ Katić

فلاحی (۱۳۸۲) در پژوهشی به ضرورت اتخاذ سیاست‌های پیش‌گیرانه به منظور جلوگیری از اشاعه فساد و فحشا در جامعه اشاره کرده و از منظر جرم‌شناسی، حقوق جزا و فقه امامیه به بررسی پدیده روسپی‌گری و عوامل و پیامدهای آن پرداخته و به نقد عدم تعریف و جرم‌انگاری روسپی‌گری و جبران خلاءهای قانونی اشاره نموده است. زینالی (۱۳۸۳) در پژوهش خود، زنان را به دلیل عوامل خاص زیست‌شناختی و اجتماعی برای بزه‌دیده واقع شدن مستعدتر دانسته و معتقد است که بزه‌کاران، قربانیان خود را از بین افرادی انتخاب می‌کنند که آسیب‌پذیرترند و خطر و هزینه بالایی برای آنها ندارند. از نظر محقق، بالا بردن هزینه ارتکاب جرم برای بزه‌کاران موجب کاهش وقوع جرم خواهد شد. به همین منظور اتخاذ یک سیاست کیفری افتراقی با جرم‌انگاری‌های ویژه و تشدید کیفر بزه‌کاران درمورد زنان بزه‌دیده را پیشنهاد می‌نماید.

شاکی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به توجیه حمایت از بزه‌دیدگی اطفال به‌ویژه کودکانی که مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند، پرداخته و سپس توجه به اتخاذ سیاست کیفری مناسب توسط قانون‌گذار درمورد این افراد را ضروری بر شمرده است و با انتقاد از سیاست تقنینی حاکم بر وضعیت اطفال و نوجوانان به ارائه پیشنهادات و راه کارهایی به منظور بهبود سیاست کیفری در امر پیشگیری و مبارزه با این پدیده پرداخته است.

بشری، اله‌پورتی و رحیمی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌ها و راهبردهای سیاست کیفری ایران در پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان شاغل» به نقش اشتغال زنان در بزه‌دیدگی آنان پرداخته و ضمن بررسی قوانین موجود با ۲۰ نفر از زنان شاغل در بخش‌های دولتی و خصوصی در سطوح مختلف شغلی مصاحبه کرده است. یافته‌های تحقیق نشان‌گر آن است که در هر سه حوزه تقنینی، قضائی و اجرایی نارسایی‌هایی وجود دارد و بسیاری از اشکال قربانی‌شدن خشونت‌آمیز زنان جرم‌انگاری نشده است و در آنچه جرم‌انگاری شده نیز ضمانت‌های اجرایی مناسبی که نقش موثری در کاهش جرم داشته باشد، به چشم نمی‌خورد و در نهایت، راه کارهای حمایتی را برای کاهش آمار بزه‌دیدگی، ترمیم آلام روحی بزه‌دیدگان و جبران خسارت‌های مادی و معنوی آنان پیشنهاد داده است.

حیدری و شریفی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای به موضوع خشونت جنسی علیه زنان از جنبه‌های زیستی، ویژگی‌های شخصیتی، عوامل محیطی، بیماری‌های روانی و ناکامی‌ها در زندگی پرداخته و بهترین روش برای جلوگیری از آن را آگاهی‌افزایی زنان نسبت به قوانین و حقوق خویش می‌داند و نقش قوه قضائیه، نیروی انتظامی و بهزیستی را در کاهش خشونت علیه زنان موثر دانسته است.

گل پرور، نبی‌پور و حاجی‌تبار (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنایت به نقش سیاست‌گذاران در جلوگیری از بزه‌دیدگی و خشونت علیه زنان و از بین بردن عوامل جرم‌زا، پیشنهاداتی را مبنی بر افتتاح خط تلفن ثابت برای دسترسی شبانه‌روزی زنان خشونت‌دیده، افزایش حضور مددکاران اجتماعی در کلاتری‌ها، به‌کارگیری افسران زن متخصص به عنوان پلیس و افزایش اختیارات اورژانس اجتماعی ارائه نموده است.

شناسایی چالش‌ها و تدابیر پیشگیرانه در قبال بزه‌دیدی زنان در جرائم جنسی

کوک^۱ و همکاران (۲۰۰۵) در مقاله‌ای با عنوان «مراقبت از قربانیان آزار جنسی»، به تعاریف قانونی سوءاستفاده جنسی و شواهد پزشکی قانونی پرداخته و اثر آزار جنسی را بر قربانیان مطالعه کرده‌اند و بر نیاز به مراقبت جسمی و روانی تاکید نموده‌اند. شواهد بررسی شده نشان می‌دهد که عدم مراقبت از قربانیان، معضلات بالینی ایجاد می‌کند.

مبارک^۲ (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «حمایت قانونی از قربانیان خشونت جنسی در اندونزی» به دیدگاه‌های بزه‌دیده شناسی و فقه جنایت به خشونت جنسی به منزله مشکلی جهانی پرداخته‌اند که حقوق بشر و آزادی‌ها را نقض می‌کند.

مانورونگ و پنجیتان^۳ (۲۰۲۳) در پژوهش خود به بررسی ماهیت چندوجهی تمایلات جنسی می‌پردازد و بر اهمیت آن در بقا و توسعه انسان در چارچوب جامعه اندونزی تاکید می‌کند. این مطالعه جنبه‌های منفی مرتبط با تمایلات جنسی به‌ویژه سوءاستفاده جنسی را که به اشکال مختلف مانند آزار، استثمار و خشونت ظاهر می‌شود، بررسی می‌کند.

بدریانتی^۴ و همکاران (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «جنبه‌های حمایت قانونی توسط دولت در برابر قاچاق کودکان و زنان»، به قاچاق انسان به عنوان مشکلی پیچیده پرداخته و اذعان کرده‌اند که اکثر قربانیان را دختران زیر سن قانونی تشکیل می‌دهند که با هدف استثمار جنسی یا کار اجباری یا موارد دیگر قاچاق شده‌اند. سوگیانی^۵ (۲۰۲۳) به طور خاص، زنان معلول قربانی جرائم جنسی را مورد مطالعه قرار داده است. زنان دارای معلولیت، قربانی جنایت تجاوز جنسی هستند. بنابراین نیاز به حمایت قانونی دارند و لازم است علاوه بر حمایت‌های قانونی، فعالیت‌های پیشگیری نیز به منظور کاهش تعداد اعمال مجرمانه سازماندهی شود. نتایج پیشنهاد تجربی موضوع نشان می‌دهد شناسایی چالش‌ها و تدابیر پیشگیرانه در قبال بزه‌دیدی زنان در جرائم جنسی در ایران مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. در این مقاله تلاش می‌شود تا به این مهم پرداخته شود.

ادبیات نظری پژوهش

نظریه‌های نقش‌آفرینی قربانی

تئوری‌های نقش‌آفرینی قربانی به دنبال توضیح این هستند که چه اقدامات یا ویژگی‌هایی خطر آسیب قربانیان را افزایش می‌دهند. این رویکرد، مفهوم‌سازی‌های گسترده و محدود مانند مقصر بودن قربانی، درگیر شدن در سبک زندگی مجرمانه، رویارویی مستقیم یا شروع درگیری با دیگران و رفتار بی‌دقتی که به عنوان زمینه‌ساز وقوع جرم

¹ Cook et al.

² Mubarak

³ Manurung & Panjaitan

⁴ Badriyanti et al.

⁵ Sugiani

شناخته می‌شود را در بر دارد. به زبان ساده، اعتقاد بر این است که قربانی نقش فعالی در ایجاد آسیب به خود دارد و برخی از قربانیان ویژگی‌های آسیب‌پذیری بیشتری دارند.

نظریه‌های مواجهه و فرصت

نظریه‌های فرصت به چگونگی تسهیل بسترهای اجتماعی برای قربانی شدن می‌پردازند. آثار مهم هندلانگ، گوتفردسون و گاروفالو^۱ و کوهن و فلسون پایه و اساس نظریه‌های فرصت را فراهم کردند. هندلانگ و همکاران بررسی کردند که چگونه و چرا مرد جوان کم‌درآمد آفریقایی بیشتر در معرض قربانی شدن هستند و انتظارات اجتماعی و محدودیت‌های ساختاری چگونه بر احتمال قربانی شدن تأثیر می‌گذارند. مدل سبک زندگی اذعان دارد که احتمال قربانی شدن هر فرد به شدت به سبک زندگی او وابسته است - این رویکرد تازه‌ای نیست و در علوم مختلف از جمله پزشکی به شکلی بدیهی مطرح می‌شود.

کوهن و فلسون در مورد الگوهای سبک زندگی روزمره اظهار نظر کردند و مقاله تأثیرگذاری در مورد چگونگی فعالیت‌های معمول یا فعالیت‌های مشترک منتشر نمودند. آنها استدلال کردند که فعالیت‌های روزمره‌ای که مستلزم دور از خانه بودن و سپری کردن وقت در مکان‌های عمومی است، زمینه‌های بیشتری برای وقوع جرم ایجاد می‌کند و وقوع این نوع قربانی شدن نتیجه همگرایی در فضا و زمان سه عنصر مجرمان با انگیزه، اهداف مناسب، و عدم وجود سرپرستان توانمند است. این عوامل اصلی زمینه‌ساز با عناوین فرصت، مجاورت/ قرار گرفتن در معرض و عوامل تسهیل‌کننده معرفی می‌شوند.

نظریه‌های فرهنگی

نظریه‌های یادگیری اجتماعی و فرهنگی عقیده دارند که قربانی شدن به عنوان یک فرآیند توسط هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای مورد انتظار و از طریق تعامل بین مجرم و قربانی، گروه‌های همسالان، خانواده یا به طور گسترده‌تر، جامعه منتقل می‌شوند. نظریه‌های فرهنگی برای توضیح قربانی شدن به گسترش پذیرش خشونت و توسط فرهنگ‌ها و ارزش‌های تأییدکننده آن که خلاف جریان اصلی فرهنگی است می‌پردازند و عقیده دارند که قربانی شدن از طریق هنجارها و ارزش‌ها آموخته یا منتقل می‌شود.

نظریه‌های انتقادی

نظریه‌های انتقادی تعاریف گسترده‌تری از قربانی ارائه می‌دهند که با تعاریف محدود حقوقی متفاوت است. این نظریات استدلال می‌کنند که خطر قربانی شدن ممکن است از طریق به حاشیه‌راندن اجتماعی مانند نژادپرستی و تبعیض جنسی افزایش یابد و یا نیروهای سیاسی ممکن است از قدرت به نفع قربانی کردن سوءاستفاده کنند. قربانی‌شناسی انتقادی به دسته‌های خاصی از قربانیان می‌پردازد و به عنوان مثال با رویکردهای فمینیستی که از اهمیت بالایی برخوردار بوده، قربانی شدن زنان را تبیین می‌کنند و به ساختارهای قدرت مردانه و تحمیل پدرسالاری فرهنگی

¹ Hindelang, Gottfredson & Garofalo

شناسایی چالش‌ها و تدابیر پیشگیرانه در قبال بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی

می‌پردازند (دی کیزردی و شوارتز^۱، ۲۰۱۱). پاکسی و رندا^۲ (۲۰۲۳) بر اجرای قانون جرم آزار جنسی با حالت توقف علیه زنان کار متمرکز شده‌اند. پدیده آزار جنسی، به ویژه در محل کار نشان‌دهنده یک موضوع جهانی فراگیر است که از مرزهای ملی فراتر رفته و به اشکال مختلف از جمله آزار و اذیت فیزیکی، غیرکلامی و کلامی خود را نشان می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش

شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌ها در این پژوهش به روش مطالعه اسنادی است، به طوری که با بررسی متون حقوق جزا و جرم‌شناسی، مطالعه قوانین موضوعه، منابع معتبر فقهی، مقالات و کتب حقوقی داخلی داده‌های مورد نیاز از پایگاه‌های داده‌ای متعبر داخلی جمع‌آوری شده است. واژگان مورد بررسی شامل خشونت جنسی زنان، جرائم جنسی، جرائم جنسی زنان، تدابیر پیشگیرانه جرائم جنسی در ۳۰ ساله گذشته در ایران می‌شود. متون مورد استفاده ۵۰ سند به صورت تمام‌شمار بوده است. با نگاه جرم‌شناختی، سیاست جنایی ایران را در خصوص بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی با توجه به سیاست‌های قضایی، اجرایی و قوانین موضوعه توصیف و تحلیل نموده و نقاط ضعف و قوت این سیاست‌ها را راجع به تدابیر پیشگیرانه و حمایتی از منظر بزه‌دیده‌شناسی مورد ارزیابی قرار داده است و در نهایت سیاست‌هایی که حذف، اصلاح و یا پیش‌بینی آن می‌تواند در کاهش بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی موثر باشد، شناسایی کرده و راه کارهای برون‌رفت از این کاستی‌ها و چالش‌ها را ترسیم نموده است.

یافته‌های پژوهش

۱- عدم جرم‌انگاری برخی از جرائم جنسی: چالشی برای عدالت و حمایت از قربانیان
عدم جرم‌انگاری برخی از جرائم جنسی، یک چالش مهم در قوانین ایران است. این فقدان جرم‌انگاری همه‌جانبه که یک نگرانی مبرم است، مانع کارآمدی سیستم‌های امنیتی، قضایی و اجرایی می‌شود. ماهیت بهم پیوسته این سیستم‌ها به این معنی است که ناکارآمدی یکی، بدون توجه به دلیل، عملکرد سیستماتیک سایرین را مختل می‌کند و زمینه مساعدی را برای گسترش جرائم ایجاد می‌نماید. این ضعف سیستمی با طیفی از قوانین ناکافی، تحریم‌های سستی نامتناسب و دخالت پرسنل بی‌صلاحیت تشدید می‌شود که به طور جمعی به چالش‌های پیش روی قوانین ایران در رسیدگی به جرائم و انحرافات جنسی کمک می‌کنند. یکی از بارزترین چالش‌های موجود در قوانین ایران در مورد جرائم و انحرافات جنسی، عدم توجه به برخی ناهنجاری‌های موجود است. قانونگذار عمداً یا غیر عمد در احراز عواقب قانونی لازم برای این اعمال کوتاهی کرده است. در نتیجه، به این جرائم کیفری به اندازه کافی در حوزه قانون‌گذاری و مجازات رسیدگی نشده است. این شکاف قانونی، نظام کیفری ایران را با زیرمجموعه‌ای از جرائم و انحرافات جنسی که طبقه‌بندی قانونی خاصی برای آنها وجود ندارد، دست و پنجه نرم می‌کند. اعمالی مانند فحشا، ترغیب جوانان به فسق و انحراف جنسی، هیمنوپلاستی بدون زناي ثابت شده و سود بردن از فحشای زنان، روابط

¹ DeKeseredy & Schwartz et al.

² Paksi, A. K., & Renta, P. P.

جنسی اجباری زوجین، اجبار به اعمال جنسی توسط اعضای خانواده، زنا برای ازدواج یا اخاذی، جرائم جنسی علیه افراد دارای کم توانی، فاقد عناوین قانونی خاص یا مجازات تعیین شده است (آخوندی، ۱۳۸۲: ۲۲).

عدم جرم انگاری برخی انحرافات جنسی نیز موضوعی پیچیده و چالش برانگیز به نظر می رسد. در حالی که برخی استدلال می کنند که انحراف جنسی صرفاً یک انحراف است که به بهترین وجه از طریق درمان به آن پرداخته می شود، به نظر می رسد که فقدان پیامدهای قانونی مناسب می تواند اثرات مخربی بر امنیت اجتماعی و رفاه فردی داشته باشد. منظور برابر دانستن همه انحرافات با جرائم جدی و اعمال مجازات های سخت نیست، بلکه درک این موضوع است که این رفتارها اغلب از ریشه های پیچیده و گاه فیزیولوژیکی ناشی می شود که نیاز به مداخله دارد. ما با افرادی روبه رو هستیم که دارای نمایندگی هستند که اقدامات آنها می تواند عواقب قابل توجهی داشته باشد. بنابراین، اجباری کردن برخورد با سطوح فزاینده اجرا، به جای واگذاری آنها به حال خودشان می تواند به عنوان یک بازدارنده مؤثرتر عمل کند و به یک سیاست عدالت کیفری قوی تر و ظریف تر کمک نماید. این رویکرد پیوند بین انحراف و جرم را تصدیق می کند و تشخیص می دهد که در حالی که همه جرائم نشان دهنده انحراف از هنجارهای اجتماعی هستند، اما همه انحرافات جرم انگاری نمی شوند. این درک برای توسعه راهبردهای پیشگیری از جرم موثر است که به علل ریشه ای رفتار مجرمانه می پردازد (روسو، ۱۳۴۹: ۲۷). فقدان بازدارنده های قانونی برای برخی انحرافات جنسی، مجریان قانون و مقامات قضایی را از ابزارهای لازم برای تضمین امنیت عمومی و حفظ ارزش های اجتماعی محروم می کند و در نهایت مانع از توانایی آنها برای رسیدگی مؤثر به این موضوع پیچیده می شود. ساخت و تملک اسباب بازی- های جنسی بدون رابطه مشروع، تنوع طلبی جنسی، انحراف جنسی شامل تحقیر و تجاوز و آزار و اذیت شامل لمس فیزیکی از جمله مصادیق این موضوع است.

۲- چالش های قانون گذاری و حمایت قانونی از قربانیان جرائم جنسی

مشکلات و نارسایی های ناشی از فقدان پاسخ های عدالت کیفری و اقدامات حفاظتی کافی

فقدان یک چارچوب قانونی مشخص برای رسیدگی به جرائم جنسی، چالش مهمی را ایجاد می کند. این ابهام با نبود اقدامات پیشگیرانه مناسب و نبود تعاریف و طبقه بندی قانونی مشخص برای برخی جرائم تشدید می شود. این ابهام به مکانیسم های پاسخ ناکافی در سیستم های قضایی و امنیتی نیز تسری پیدا می کند که اغلب بر رویکردهای سنتی که برای رسیدگی به پیچیدگی های جرائم جنسی مدرن متکی هستند، مجهز نیستند. بررسی جامع پاسخ های کیفری به فوریت مورد نیاز است و فراتر از روش های منسوخ برای رسیدگی موثر به این الگوهای جنایی در حال تکامل است.

نارسایی ها در کشف، تعقیب و بررسی جرائم و انحرافات جنسی

شیوع بالای جرائم جنسی گزارش نشده که اغلب از آن به عنوان «شخصیت تاریک جرم» یاد می شود، مانع مهمی برای اجرای قانون موثر است. این امر با فقدان یک سیاست شفاف عدالت کیفری تشدید می گردد. نظام کنونی متأثر از تفاسیر سنتی مذهبی، به جای اتخاذ رویکردی فعالانه، کتمان این جنایات را به ظاهر برای حفظ آبرو و ناموس

شناسایی چالش‌ها و تدابیر پیشگیرانه در قبال بزه‌دیدی زنان در جرائم جنسی

دست اندرکاران در اولویت قرار می‌دهد. مانند هر جرم دیگری، جرائم جنسی نیازمند ابزارها و رویه‌های تحقیقاتی مؤثر است. عدم‌ارائه این ابزارها، مجازات‌ها را بی اثر می‌کند و به افزایش نگران‌کننده چنین جرائمی کمک می‌نماید. ماهیت پنهان جرائم و انحرافات جنسی

ایجاد دادگاه‌های تخصصی برای رسیدگی به جرائم اخلاقی باعث سردرگمی و بحث در مورد صلاحیت و رویه آنها شده است. این قانون اختیارات گسترده‌ای را برای تحقیقات و پیگرد قانونی به دادرسی اعطا می‌کند، اما به طور همزمان برخی از جرائم جنسی را از حیطه اختیارات آنها خارج می‌نماید. این تناقض، نگرانی‌هایی را درباره دلیل این محرومیت انتخابی ایجاد می‌کند. در حالی که آموزه‌های اسلامی زنا و لواط را محکوم و از مجازات‌های شدید حمایت می‌کند، اما بر احتیاط و پرهیز از قرار گرفتن در معرض عموم برای جلوگیری از آسیب بیشتر و محافظت از افراد درگیر تأکید می‌نماید. این رویکرد زمانی معتبر است که جرائم به صورت خصوصی رخ دهد و حقوق دیگران را تضییع نکند. با این حال، هنگامی که جرائم عمومی هستند یا حقوق فردی را نقض می‌کنند، آنها خواستار تحقیق و پیگرد قانونی هستند.

تاکید سیستم فعلی بر رازداری در موارد جرائم جنسی مشکل‌ساز است. این نه تنها به گزارش ناکافی کمک می‌کند، بلکه به مجرمان اجازه می‌دهد تا از عدالت فرار کنند و به طور بالقوه منجر به جرائم بیشتر شود. با برخورد با این جرائم مانند سایر جرائم، می‌توانیم از ابزارهای تحقیقاتی تثبیت‌شده استفاده، مجرمان را پاسخگو و از جرائم آینده جلوگیری کنیم. نادیده گرفتن مشکل فقط آن را تشدید می‌کند و در درازمدت توانبخشی و اصلاح را دشوارتر می‌سازد. کتمان تجاوزات جنسی و رفتار نادرست موضوعی چند وجهی است. گذشته از فقدان الزام قانونی برای سیستم‌های امنیتی برای کشف این جرائم، عوامل متعددی در ماهیت پنهان آنها نقش دارند. دو چالش مهم در زیر مورد بحث قرار می‌گیرد:

ملاحظات اجتماعی

در جوامع سنتی، هنجارهای سخت اجتماعی و مذهبی اغلب منجر به سرکوب گزارش جنایات جنسی می‌شود. جوامع ممکن است به جای مشارکت دادن مجری قانون، به مکانیسم‌های حل اختلاف غیررسمی متوسل شوند و این گونه جرائم را از سیستم قضایی رسمی پنهان نگاه دارند. این مسئله برای قضاتی که با موارد خشونت شدید که احتمالاً از جنایات جنسی رسیدگی نشده نشأت می‌گیرند، چالش ایجاد می‌کند. آنها مجبورند به عواقب خشونت رسیدگی کنند بدون اینکه بتوانند به علت اصلی به دلیل فشارهای اجتماعی بپردازند. ترس بزه‌دیده از طرح شکایت

مانع دیگر عدم تمایل قربانی به گزارش جرم است. این ترس می‌تواند ناشی از انتقام‌گیری احتمالی توسط مجرم یا ترس از انگ اجتماعی باشد. در نتیجه، قربانیان، علیرغم تحمل رنج‌های بسیار، سکوت را بر عدالت ترجیح می‌دهند. این سکوت می‌تواند منجر به عوارض بیشتر شود، از جمله متوسل شدن قربانیان به انتقام شخصی و تداوم چرخه خشونت. این واکنش اغلب از این باور قربانی ناشی می‌شود که سیستم حقوقی برای ارائه حمایت، عدالت یا

محافظت از رفاه او مجهز نیست. آنها ممکن است فرآیند پیمایش در سیستم قانونی، جمع‌آوری شواهد و متقاعد کردن مقامات را آسیب‌زاتر از تحمل جرم در سکوت بدانند. این می‌تواند منجر به شکایت قربانیان شود، اما به دلیل بار اثبات و عدم پشتیبانی، از آن منصرف شوند. بنابراین تغییر پارادایم در واکنش نظام عدالت کیفری به این گونه جرائم ضروری است. دور شدن از رویکردهای سنتی، ترکیب پیشرفت‌های علمی مانند علم پزشکی قانونی و ایجاد دادگاه‌های تخصصی می‌تواند محیط امن و حمایتی را برای قربانیان ایجاد کند. این دادگاه‌ها که با قضات مجرب در امور روان‌شناختی کار می‌کنند، می‌توانند از روش‌های علمی برای حقیقت‌یابی استفاده و اقدامات قانونی مناسب را تضمین کنند.

عدم کارایی ابزارهای قانونی در جرائم و انحرافات جنسی

ابزارهای قانونی مورد استفاده برای رسیدگی به جرائم جنسی، احساس ناتوانی محسوسی را نشان داده است. یک قانون تنها زمانی مؤثر است که عدالت ترمیمی را تسهیل کند و با یک خط مشی عدالت کیفری کاملاً تعریف شده هماهنگ باشد. استفاده از ابزارهای حقوقی باید مستقیماً اهداف مورد نظر نظام عدالت کیفری را منعکس کند. در زمینه جرائم جنسی که هدف این سیاست کاهش یا کنترل چنین جرائمی است، آشکار است که سیستم قضایی ما در رسیدن به این اهداف کوتاهی کرده است. افزایش نگران‌کننده در آزارهای جنسی به عنوان یادآوری آشکار این شکست است. نگاهی گذرا به پلتفرم‌های آنلاین یا گزارش‌های خبری نه تنها فقدان کنترل بر این جنایات، بلکه ظهور اشکال جدید و آزاردهنده جنایات جنسی را نشان می‌دهد. این امر بیشتر بر ناکارآمدی پاسخ‌های تنبیهی موجود تأکید می‌کند.

عدم توجه به مقوله اصلاح و درمان در مجازات‌ها

یک اصل اساسی مجازات مؤثر، بازپروری و ادغام مجدد مجرمان در جامعه به عنوان شهروندانی مطیع قانون است. برنامه‌های درمانی و توانبخشی پس از مجازات از دیرباز نشانه‌های بارز یک سیستم قضایی مؤثر در نظر گرفته شده است. اما در حوزه جرائم جنسی، این جنبه چه از نظر مجازات‌های اولیه و چه در مجازات‌های تکمیلی تا حد زیادی نادیده گرفته شده است. به عنوان مثال، مصادره دارایی‌ها که یک عامل بازدارنده بالقوه قوی است، به اندازه کافی توسط قانونگذاران مورد توجه قرار نگرفته است. استدلال می‌شود که باید قوانینی برای توقیف تمام دارایی‌های به دست آمده از طریق جرائم جنسی، به‌ویژه در مواردی که شامل جنایات سازمان‌یافته، استثمار و فعالیت‌های سود محور است، وضع شود. بسیاری از حلقه‌های قاچاق و مروج جرائم جنسی، ثروت غیرقانونی قابل توجهی را جمع‌آوری می‌کنند و از آن برای پیشبرد فعالیت‌های مجرمانه خود و فریب قربانیان استفاده می‌کنند. مصادره این دستاوردهای غیرقانونی برای ایجاد اختلال در عملیات آنها بسیار مهم است.

علاوه بر این، قانون به اندازه کافی به شدت جرائم مکرر و متعدد جنسی رسیدگی نمی‌کند. به جز در شرایط خاص، تکرار جرائم - مانند زنا یا محصنه - یا جرائم متعدد از یک ماهیت، منجر به مجازات شدیدتر نمی‌شود. این امر کاملاً در تضاد با اصل تناسب در صدور مجازات است که در آن مجازات باید شدت جرم را منعکس کند. فردی که

شناسایی چالش‌ها و تدابیر پیشگیرانه در قبال بزه‌دیدی زنان در جرائم جنسی

در یک مصداق زنای محصنه مرتکب می‌شود، نباید مانند کسی که مرتکب چندین جرم شده است، مجازات شود. متأسفانه، قانون به اندازه کافی این تمایز را منعکس نمی‌کند و اساساً بر مجازات‌های سنتی تکیه می‌نماید و ماهیت در حال تحول این جرائم را در نظر نمی‌گیرد^۱. بنابراین، برای قانونگذاران ضروری است که چارچوب قانونی موجود برای جرائم جنسی را دوباره ارزیابی کنند. آنها باید مجازات‌های مدرن و مرتبط با زمینه را در نظر بگیرند و به مسائل مهم تکرار و چند تخلف رسیدگی کنند.

۳- سازوکارهای حمایتی برای قربانیان جرائم جنسی: بررسی انتقادی کاستی‌های قانونی

قربانیان تجاوزات جنسی اغلب ضربه‌های روحی و روانی شدیدی را تجربه می‌کنند. این آسیب در جوامعی مانند ایران تشدید می‌شود؛ جایی که هنجارهای فرهنگی غالب می‌توانند قربانیان را به این نتیجه برسانند که خود را از نظر اجتماعی طرد شده و بی‌حرمت بدانند. در نتیجه، این قربانیان ممکن است با انزوا، کاهش عملکرد کاری یا تحصیلی، از دست دادن شغل، ترس از موقعیت‌های اجتماعی جدید و حتی افکار خودکشی مواجه شوند. این تروما همچنین می‌تواند به صورت ترس عمیق از افراد شبیه به مجرم ظاهر شود که منجر به مشکلات در ایجاد روابط و حتی احساس بیگانگی از هویت جنسیتی خود می‌شود. این امر بر نیاز فوری به مکانیسم‌های حمایتی برای کاهش تأثیرات مخرب جرائم جنسی تأکید می‌کند. این مکانیسم‌ها را می‌توان به طور کلی به اقدامات جزایی و غیرجزایی دسته‌بندی کرد.

تدابیر کیفری حمایتی: رویکردهای قانونی در مقابله با جرائم جنسی

در حالی که برخی از محققان علیه کارآمدی عدالت کیفری، حتی در موارد جرائم جنسی خشونت‌آمیز استدلال می‌کنند، این غیرقابل انکار است که غرامت مالی یا حمایت غیرجزایی به تنهایی نمی‌تواند جبران خسارت کافی را برای قربانیان فراهم کند. یک سیاست کیفری متمایز و قوی در رسیدگی به جرائم جنسی ضروری است. رویه‌های حقوقی کنونی ایران، تحت تأثیر فقه اسلامی، اغلب اجتناب از اثبات جرائم جنسی را در اولویت قرار می‌دهند.^۲ این رویکرد که ریشه در آموزه‌های دینی دارد، قضات را تشویق می‌کند تا قربانیان را از پیگیری قانونی به‌ویژه در مواردی که شامل اعمال توافقی است، منصرف کنند. در حالی که این رویکرد ممکن است در ترویج بخشش و محافظت از شهرت مجرمان پشیمان موثر باشد، به شدت حقوق قربانیان را به‌ویژه در موارد اعمال جنسی اجباری تضعیف می‌کند. این امر به دلیل مشکلات ذاتی در تأمین شهود برای چنین جنایاتی که اغلب در محیط‌های خصوصی رخ می‌دهد، پیچیده‌تر می‌شود.

علاوه بر این، چارچوب قانونی موجود نمی‌تواند به موضوع پیچیده بارداری‌های ناشی از تجاوز جنسی رسیدگی کند. در حالی که برخی از مقامات مذهبی سقط جنین را در شرایط خاص مجاز می‌دانند، قوانین ایران هیچ حمایت قانونی یا پناهگاهی برای قربانیانی که مجبور به حاملگی ناخواسته هستند، ارائه نمی‌کند. این شکاف در حمایت

^۱ هر گاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری شود، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است (ماده ۱۳۶ قانون مجازات اسلامی).

^۲ برای مثال نگاه کنید به ماده ۱۰۸ و تبصره یک ذیل آن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

قانونی لایه دیگری از آسیب را برای قربانیانی که در حال حاضر با پیامدهای تجاوز جنسی دست و پنجه نرم می‌کنند، می‌افزاید. بنابراین، اتخاذ یک سیاست کیفری قربانی محور که به طور خاص برای جرائم جنسی طراحی شده است بسیار مهم است. این رویکرد، علاوه بر جلوگیری از جرائم آتی، می‌تواند به میزان قابل توجهی اثرات منفی بلندمدت بر قربانیان را کاهش دهد و به یک سیستم حقوقی عادلانه‌تر و عادلانه‌تر کمک کند.

تدابیر غیرکیفری حمایتی: راهبردهای اجتماعی و روان‌شناختی در حمایت از بزه‌دیدگان

این تدابیر می‌تواند به اشکال مختلف مانند ایجاد خانه‌های امن و سرپناه برای زنان بی‌خانمان، دختران فراری و کسانی که در خیابان‌ها فعالیت جنسی دارند، ظاهر شود. این افراد به دلیل جنسیت و اغلب موقعیت‌های اقتصادی نامطمئن در برابر جرائم جنسی آسیب‌پذیر هستند. بنابراین، ارائه پناهگاه‌های امن و حمایت‌های لازم می‌تواند آسیب‌پذیری آنها را در برابر استثمار و سوء استفاده به میزان قابل توجهی کاهش دهد.

علاوه بر این، ایجاد مراکز حمایتی تخصصی برای قربانیان جرائم جنسی بسیار مهم است. این مراکز می‌تواند مشاوره، حمایت عاطفی و راهنمایی حقوقی ارائه دهند و نقشی حیاتی در کاهش آسیب و هدایت فرآیندهای حقوقی اغلب پیچیده ایفا کنند. قربانیان اغلب شدیدترین پریشانی عاطفی و سردرگمی را بلافاصله پس از جنایت تجربه می‌کنند. عواملی مانند سن، موقعیت خانوادگی و اجتماعی و وضعیت شغلی می‌تواند آسیب‌پذیری آنها را تشدید کند و مانع از توانایی آنها برای کمک‌جویی و پیگیری عدالت شود. بنابراین، مراکز پشتیبانی در دسترس و رایگان که با بودجه عمومی کار می‌کنند، می‌توانند به عنوان پناهگاه امن برای قربانیان عمل کنند و کمک و راهنمایی فوری ارائه دهند.

ابتکاراتی مانند «سیستم واکنش اضطراری اجتماعی» و «مراکز مداخله در بحران» گام‌های مثبتی برای رسیدگی به این نیازها هستند. هدف این برنامه‌ها ارائه پشتیبانی فوری و خدمات تخصصی به افراد در بحران، از جمله قربانیان سوءاستفاده جنسی، کسانی که از خانه فرار کرده‌اند و افرادی که بی‌خانمانی را تجربه می‌کنند، است. این برنامه‌ها با ارائه مداخلات به‌موقع و حمایت‌های مبتنی بر جامعه تلاش می‌کنند تا توانبخشی، ادغام مجدد در جامعه را تسهیل و از آسیب‌های آینده جلوگیری کنند.

نقش سازمان‌های غیردولتی (NGO) به همان اندازه در حمایت از قربانیان حیاتی است. در برخی کشورها، سازمان‌های غیردولتی مراکز حمایتی ایجاد کرده‌اند که اغلب توسط قربانیان سابق خشونت جنسی تأسیس شده یا کارمندان آنها کار می‌کند. این افراد با تجربیات زیسته خود می‌توانند حمایت عاطفی و راهنمایی‌های عملی ارزشمندی را برای کسانی که از آسیب‌های مشابه عبور می‌کنند، ارائه دهند. حمایت عاطفی و روانی ارائه شده توسط این گروه‌ها، قربانیان را قادر می‌سازد تا زندگی خود را بازسازی کنند، تصمیمات آگاهانه بگیرند و از متوسل شدن به اقدامات شدید مانند خودکشی به عنوان وسیله‌ای برای فرار از آسیب خود اجتناب کنند.

در نتیجه، یک رویکرد چند وجهی که اقدامات قانونی را با سیستم‌های حمایت اجتماعی قوی ترکیب می‌کند، برای رسیدگی مؤثر به جرائم جنسی ضروری است. نهادهای دولتی، سازمان‌های جامعه مدنی و ابتکارات

شناسایی چالش‌ها و تدابیر پیشگیرانه در قبال بزه‌دیدی زنان در جرائم جنسی

مبثنی بر جامعه باید برای ایجاد یک شبکه ایمنی که از قربانیان محافظت می‌کند، حمایت اساسی را ارائه می‌نماید و فرهنگ احترام و کرامت را برای همه تقویت می‌کند، همکاری نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با رویکرد انتقادی به بررسی چالش‌های حقوقی مرتبط با زنان بزه‌دیده جرائم جنسی می‌پردازد. سیستم قضایی ایران در زمینه حمایت از قربانیان جرائم جنسی، با وجود برخی اقدامات مثبت، با کاستی‌های قابل توجهی روبه‌روست. فقدان دادگاه‌های تخصصی برای رسیدگی به جرائم جنسی، عدم آموزش کافی قضات و ضابطان قضایی در زمینه خشونت جنسی و کمبود مراکز حمایتی تخصصی برای قربانیان، از جمله چالش‌های اصلی هستند. این کاستی‌ها منجر به عدم درک و همدلی با قربانیان، طولانی شدن فرآیندهای قضایی و قربانی شدن مجدد آن‌ها در طول دادرسی می‌شود. علاوه بر این، هنجارهای اجتماعی-فرهنگی حاکم بر جامعه ایران، مانند انگ اجتماعی مرتبط با تجاوز جنسی و فشار بر قربانیان برای سکوت، مانع از گزارش دهی جرائم و پیگیری عدالت می‌شود. این هنجارها، ریشه در باورهای سنتی و پدرسالارانه دارند و نیازمند تغییر و تحول اساسی برای ایجاد فضایی امن و حمایتی برای قربانیان هستند.

برای بهبود وضعیت حمایت از قربانیان جرائم جنسی در ایران، نیاز به اصلاحات همه‌جانبه در سطوح قانونی، قضایی و اجتماعی-فرهنگی وجود دارد. در سطح قانونی، اصلاح قوانین موجود برای جرم‌انگاری جامع و دقیق انواع خشونت و سوءاستفاده جنسی، از جمله تجاوز جنسی زناشویی و سایر اشکال تجاوز جنسی، ضروری است. همچنین، باید رویه‌های اثبات جرم در پرونده‌های تجاوز جنسی مورد بازنگری قرار گیرد تا با در نظر گرفتن شواهد علمی و پزشکی قانونی، بار اثبات از دوش قربانیان برداشته شود. در سطح قضایی، ایجاد دادگاه‌های تخصصی برای رسیدگی به جرائم جنسی، آموزش قضات و ضابطان قضایی در زمینه خشونت جنسی و افزایش تعداد افسران زن در نیروی انتظامی برای تعامل با قربانیان زن، از جمله اقدامات ضروری هستند. همچنین، باید مراکز حمایتی تخصصی برای قربانیان تجاوز جنسی ایجاد شود تا خدمات مشاوره‌ای، روان‌شناختی، مددکاری اجتماعی و حقوقی به آن‌ها ارائه دهند. در سطح اجتماعی-فرهنگی، نیاز به تغییر نگرش‌ها و باورهای سنتی در مورد تجاوز جنسی و قربانیان آن وجود دارد. کمپین‌های آگاهی‌رسانی عمومی برای افزایش آگاهی در مورد خشونت جنسی، مبارزه با انگ اجتماعی مرتبط با آن، و تشویق قربانیان به گزارش دهی جرائم، از جمله اقدامات مؤثر هستند. در نهایت، حمایت از قربانیان جرائم جنسی نیازمند رویکردی چند وجهی و هماهنگ است که شامل اصلاحات قانونی، قضایی و اجتماعی-فرهنگی می‌شود. با اتخاذ این رویکرد، می‌توان به سمت سیستمی عادلانه‌تر و انسانی‌تر برای قربانیان جرائم جنسی در ایران حرکت کرد.

به طور کلی می‌توان گفت خشونت جنسی علیه زنان، پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است که ریشه در عوامل مختلفی از جمله نابرابری جنسیتی، نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی منفی و ضعف حاکمیت قانون دارد. برای مقابله با این پدیده و تأمین عدالت برای قربانیان، نیاز به رویکردی جامع و چندبعدی است که شامل اصلاح قوانین و

مقررات، ارتقای آگاهی عمومی، تقویت سازوکارهای حمایتی، ارتقای همکاری بین‌المللی و تقویت نقش جامعه مدنی می‌شود. با اجرای راهکارهای پیشنهادی، می‌توان امیدوار بود که سطح حمایت از زنان قربانی جرائم جنسی ارتقا یابد و گامی مؤثر در جهت ریشه‌کن کردن این پدیده شوم برداشته شود.

نظام حقوقی ایران با وجود پیش‌بینی مجازات‌های سنگین برای مرتکبان جرائم جنسی، در زمینه حمایت از زنان قربانی این جرائم با چالش‌های متعددی مواجه است. برخی از مهم‌ترین این چالش‌ها عبارت‌اند از:

۱. عدم تعریف جامع و دقیق از جرائم جنسی: قانون مجازات اسلامی ایران در مواد ۶۳۴ تا ۶۴۵ به جرائم جنسی پرداخته است. با این حال، تعاریف ارائه شده از جرائمی مانند تجاوز جنسی، زنا به عنف و سایر اشکال آزار و اذیت جنسی، جامع و دقیق نیستند و ابهامات موجود در این تعاریف می‌تواند منجر به تفسیرهای مختلف و تضییع حقوق قربانیان شود.

۲. عدم توجه کافی به مفهوم رضایت در جرائم جنسی: در نظام حقوقی ایران، مفهوم رضایت در جرائم جنسی به طور کامل مورد توجه قرار نگرفته است. به عنوان مثال، در قانون مجازات اسلامی، عدم رضایت قربانی در جرم تجاوز جنسی به عنوان یک عنصر اساسی جرم در نظر گرفته نشده است و اثبات عدم رضایت بر عهده قربانی است. این موضوع می‌تواند منجر به دشواری در اثبات جرم و تبرئه مرتکبان شود.

۳. عدم وجود سازوکارهای حمایتی کافی برای قربانیان: نظام حقوقی ایران فاقد سازوکارهای حمایتی کافی برای زنان قربانی جرائم جنسی است. به عنوان مثال، مراکز تخصصی برای ارائه خدمات مشاوره‌ای، پزشکی و روان‌شناختی به قربانیان به تعداد کافی وجود ندارد و دسترسی به این خدمات برای بسیاری از قربانیان دشوار است.

۴. نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی منفی نسبت به قربانیان: در جامعه ایران، نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی منفی نسبت به زنان قربانی جرائم جنسی وجود دارد. این نگرش‌ها می‌تواند منجر به سرزنش قربانی، انزوای اجتماعی و عدم حمایت از آن‌ها شود.

برای برون‌رفت از چالش‌های موجود در حقوق ایران در حمایت از زنان قربانی جرائم جنسی می‌توان راهکارهای زیر را پیشنهاد داد:

۱. اصلاح قوانین و مقررات: در نظام حقوقی ایران، نیاز به اصلاح قوانین و مقررات مربوط به جرائم جنسی وجود دارد؛

۲. ارائه تعریفی جامع و دقیق از جرائم جنسی با توجه به استانداردهای بین‌المللی؛

۳. توجه به مفهوم رضایت در جرائم جنسی و حذف بار اثبات عدم رضایت از دوش قربانی؛

۴. تشدید مجازات مرتکبان جرائم جنسی و پیش‌بینی مجازات‌های تکمیلی مانند محرومیت از حقوق اجتماعی؛

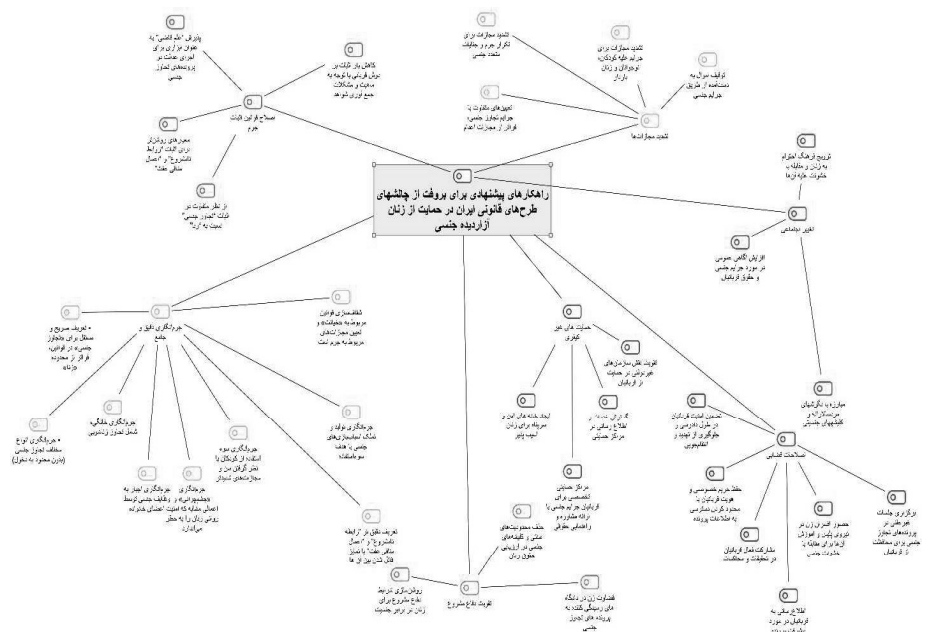
۵. ارتقای آگاهی عمومی: ارتقای آگاهی عمومی در مورد جرائم جنسی و حقوق قربانیان، یکی از راهکارهای اساسی برای پیشگیری از این جرائم و حمایت از قربانیان است؛

شناسایی چالش‌ها و تدابیر پیشگیرانه در قبال بزه‌دیدی زنان در جرائم جنسی

۶. تقویت سازوکارهای حمایتی: تقویت سازوکارهای حمایتی برای زنان قربانی جرائم جنسی، یکی از راهکارهای اساسی برای کاهش آسیب‌های ناشی از این جرائم و کمک به بهبود وضعیت قربانیان است. در این راستا، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: افزایش تعداد مراکز تخصصی برای ارائه خدمات مشاوره‌ای، پزشکی و روان‌شناختی به قربانیان، تأمین منابع مالی کافی برای حمایت از قربانیان و ارائه خدمات رایگان به آنها، ایجاد شبکه‌های حمایتی برای قربانیان با مشارکت سازمان‌های غیردولتی و فعالان حقوق زنان، برگزاری کمپین‌های اطلاع‌رسانی و آموزشی در مورد جرائم جنسی و حقوق قربانیان؛

۷. ارتقای همکاری بین‌المللی: ارتقای همکاری بین‌المللی در زمینه مبارزه با جرائم جنسی و حمایت از قربانیان، یکی از راهکارهای اساسی برای مقابله با این پدیده جهانی است.

۸. تقویت نقش جامعه مدنی: جامعه مدنی می‌تواند نقش مهمی در زمینه پیشگیری از جرائم جنسی، حمایت از قربانیان و ارتقای آگاهی عمومی ایفا کند.



نمودار ۱: راهکارهای برون‌رفت از چالش‌های موجود حقوق کشور ایران در راستای حمایت از زنان بزه‌دیده جرائم جنسی

منابع

- آخوندی، محمود. (۱۳۸۲). «اثبات جرائم منافی عفت از نگاهی دیگر». فصلنامه کتاب زنان. (۲) ۲۲، صص ۱۰۷-۱۲۲.
- بشری، سارا؛ الهیورتی، فریبا و رحیمی، سالار. (۱۴۰۰). «چالش‌ها و راهبردهای سیاست کیفری ایران در پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان شاغل». فصلنامه رهیافت پیشگیری. شماره ۱۳، صص ۳۷-۶۰.
- تاج بخش، غلامرضا. (۱۴۰۰). «واکاوی عوامل زمینه ساز روابط فرازنشویی». زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان). ۱۹ (۴)، صص ۵۹۵-۶۱۴.
- حیدری، مهدی و شریفی، سمیه. (۱۴۰۰). «راهکارهای پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان در نظام کیفری ایران». فصلنامه قانون بار. سال ۵، شماره ۲۰، صص ۵۶۹-۵۹۰.
- جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و شاهیده، فرهاد. (۱۳۹۳). «نقش زنان بزه‌دیده در ارتکاب جرائم جنسی (با تکیه بر قوانین و مقررات کیفری و رویه قضایی ایران)». پژوهش حقوق کیفری. سال ۲، شماره ۷.
- رجب لاریجانی، مهسا. (۱۳۸۹). «مطالعه جامعه شناختی آزار جنسی زنان در محیط کار». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- زمردیان، نسترن و اکبری، حسین. (۱۴۰۰). «چگونگی شکل‌گیری روابط فرازنشویی زوجین». پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی. ۸ (۲۸)، صص ۲۲۷-۲۶۲.
- زینالی، حمزه. (۱۳۸۳). «اثر فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزه‌دیدگی آنان». فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی. سال ۳، شماره ۱۳، صص ۱۹۷-۲۲۲.
- ژاک روسو، ژان. (۱۳۴۹). قرارداد اجتماعی. عنایت‌الله شکیب‌پور. تهران: انتشارات فرجی
- شاکری، ابوالحسن؛ روح‌الامین، نرگس السادات و عمویی سیف کنی، ناهید. (۱۳۹۲). سیاست کیفری ایران در قبال حمایت بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان با محوریت جرائم جنسی. تهران: نشر بنیاد حقوقی میزان
- شکری، کبری و هاشمی، سید ضیا. (۱۳۹۳). «بررسی جامعه‌شناختی آزار جنسی زنان جوان». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. دوره ۱۳، شماره ۲۴.
- فاطمی‌نیا، محمدعلی؛ کاظمی، قباد و پروین، ستار. (۱۴۰۱). «بزه‌دیده‌شناسی جرائم علیه جوانان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی)». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. دوره ۲۱، شماره ۵۵.
- فلاحتی، علی. (۱۳۸۲). «روسیب‌گری و سکوت سنگین قانون». مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان). ۶ (۲۲). SID. <https://sid.ir/paper/fa39192>
- گل پرور، شهلا؛ نبی‌پور، محمد و حاجی‌تبار، حسن. (۱۴۰۰). «جرم‌شناختی ملی و بین‌المللی در کاهش موقعیت‌های جرم‌زا در قبال بزه‌دیدگی زنان». فصلنامه اندیشه حقوقی. سال ۲، شماره ۵، صص ۳۱-۵۱.
- Badriyanti, P. H., Romantika, B., & Kurniawan, M. F. (2023). "Aspects of Legal Protection by the State Against Victims of Child and Women Trade". Education, 3(6), 1054-1063.
- Cook, R. J., Dickens, B. M., & Thapa, S. (2005). "Caring for victims of sexual abuse". International Journal of Gynecology & Obstetrics, 91(2), 194-199.
- DeKeseredy Walter S & Schwartz, Martin D. (2011). Left realism. Routledge Handbook of Critical Criminology, London: Published by Routledge.

- Katić, M. (2020). **“Conceptual definition of victim and the relationship of international law to victims”**. In *Proceedings of the International Scientific Conference "Social Changes in the Global World"* (Vol. 1, No. 7, pp. 231-249)
- Manurung, W., & Panjaitan, J. D. (2023). **“Implementation Of Legal Protection Of Children And Women As Victims Of Sexual Crimes”**. *International Journal of Social Research*, 1(2), 82-89.
- Mubarak, A. (2023). **Legal protection for victims of sexual violence in Indonesia in the perspectives of victimology and fiqh jinayah.**
- Paksi, A. K., & Renta, P. P. (2023). **“Indonesia’s pro-people foreign policy: the protection of Indonesian women migrant workers in Malaysia in 2022”**. *Otoritas: Jurnal Ilmu Pemerintahan*, 13(2), 203-216.
- Satriana, I. M. W. C., & Dewi, N. M. L. (2022). **“Law Brakes to Protect Victims of Sexual Violence Against Children and Women in the Private Field”**. *Journal Equity of Law and Governance*, 2(2), 115-122.
- Sugiani, R. A. (2023). **“Implementation of Legal Protection for Women with Disabilities Victims of Rape Crime in Langkat District”**. *Journal of Law Science*, 5(2), 65-69.